

میدان؛ فضاهای تعریف نشده شهرهای ایرانی

دکتر محمد حسن ابراهیمی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۰۴/۱۰

چکیده

هدف از این نوشته مروری بر چگونگی، شکل‌گیری، عملکرد و سرنوشت میدان ایرانی است که به علت از هم گسیختگی فضایی موجود در کالبد و عملکردش، و نیز هرج و مرج جاری در تجسم هویت این عنصر شهری در عرصه طراحی و شکل بخشی، در اینجا به عنوان فضایی تعریف نشده موسوم گردیده است. اینک روند رسیدن به نقطه کنونی چگونه بوده، چه عواملی در آن دخیل بوده‌اند و اینکه چه راه برون رفتی از این آشفتگی حاضر می‌تواند وجود داشته باشد، نکاتی هستند که در دنباله این نوشته خواهد آمد. این مقاله باغ رویکردی تحلیلی، تفسیری سیر تحول اینگونه فضاهای تعریف نشده شهرهای ایرانی را دنبال می‌کند. نتیجه محتمل این بحث توجه دادن خواننده به گذار شهرهای ایران، بویژه تهران، از دوران تازه‌ای از تجدد فضایی است که نیازمند برخوردی نوین و چاره‌جویانه به نگهداری از میراث قدیم و طراحی هوشمندانه برای فضاهای نوین شهری، است.

واژه های کلیدی

میدان، فضاهای تعریف نشده، شهرهای ایرانی، فضاهای نوین شهری

مقدمه

میدان عرصه نمایشی است برای زندگی یک شهر، از حرکت، کوشش و تلاش برای زندگی و سرزندگی شهروندان اش خبر می‌دهد. میدان با طرح و ترکیبش به شهر هویت می‌بخشد و از هویت ساکنان آن خبر می‌دهد. قدرت، خلاقیت، هنر و کمال دوستی مردم در آنست. از عشق به زندگی و عشق به آرمان‌های جمعی حکایت می‌کند. نقش نظم و پاکیزگی و آرامش ذهن مردمانش در آن است. اگر شهری را می‌خواهید بشناسید از میدانی که مقصد عامه است دیدن کنید، شهر در آینه کوچک میدان‌هایش به کمال منعکس است. درین نوشته تلاش گردیده و از انعکاس هویت‌مان در میدان سراغ گرفته شود. مروری بر تاریخ شهر کافیت؛ در شرق و غرب، در قدیم و جدید، میدان به عنوان یک عنصر دیرپای شهری، در ابعاد و اشکال مختلف، وجود داشته و صحنه و عرصه تاریخ جوامع اسکان یافته بوده است. اما این نوشته بر سر آن نیست تا به ظرایف و پیچیدگی‌های تاریخی و اجتماعی که میدان و سیر تکامل آن را در بر گرفته بپردازد بلکه بررسی دوباره و ارزیابانه، از دیدگاه حرفه‌ای و طراحی شهری به این عنصر نیرومند شهرست، تا ببیند در این زمانه، ما و شهرهای ما کجاییم، بر میدان‌ها که داشتیم چه می‌گذرد، براین آینه‌های زندگی و هویت و درین مسیر پر شتاب توسعه و گسترش مناطق و محلات نوین شهری که رویاروی خلاقان معاصر این فضاهای جمعی چگونه ما را در این آینه‌های جمعی ترسیم کرده‌اند.

علت وجودی میدان

در هر نقطه تراکم جمعیتی، خواه ده، شهر و یا متروپولیس، زندگی گروهی انسان‌ها گاه نیازمند عملکردهای جمعی خاصی است که گرد هم آیی عده کثیری از ساکنان را ناگزیر می‌سازد. از دیر باز وجود یک نقطه تجمع مرکزی برای اجتماع و داد و ستد آسان‌ترین و منطقی‌ترین راه حل برای جوابگویی به این نیاز بوده، و به ویژه زمانی که حرکت انسان و حمل و نقل کالا در مقیاس پیاده بوده، عملکرد مناسبی داشته است. ساکنان یک شهر دسترسی‌های درون و برون شهری را به گستره‌ای باز میرسانده و تولید نیاز خود را مطرح می‌کرده‌اند. اگر شهر کوچک بود میدان-بازاری هفتگی یا ماهانه در آن شکل می‌گرفت، اگر بزرگ و پر جمعیت بود میدان-بازارش همیشگی و طراحی شده‌تر بود. با آنکه عملکرد اصلی، اجتماع و داد و ستد بود که گاه با عملکردهای مورد نیاز دیگری می‌شد تا براهمیت و قابلیت پاسخگویی این نقطه تمرکز بیافزاید. بویژه اگر عملکردهای مزبور نیز خود نیاز ذاتی به فضایی بازتر از سطح یک تقاطع ساده و یا مجاورت راه‌های دسترسی عادی شهری داشتند و ادغامشان در میدان-بازار جدیتر و لازمتر می‌نمود. در آغاز معابد و دیگر انواع عبادت‌گاه‌ها، که نقطه‌ای همیشگی برای تجمع و ملاقات کاهنان و زائران محسوب می‌شدند. این تداوم عملکرد عمومی، حاشیه و فضای مجاور این اماکن را به محل مناسبی برای اجتماع عرضه‌کنندگان خدمات عمومی دیگر تبدیل و گروه‌هایی چون صنعتگران، فروشندگان، گدایان و غیره را به حضور و فعالیت دعوت می‌کرده است. برگزاری این فعالیت‌ها خود لازمه انجام کارهای جانبی دیگری، چون برقراری نظم، نظارت بر انجام داد و ستد قانونی و جلوگیری از برخورد های فردی، سرقت و خشونت و نیز دریافت مالیات بوده و در مجموع دلیلی برای حضور عوامل حکومتی و نیروهای انتظامی می‌شده است.

لذا لزوم وجود فضایی مناسب و قابل دسترسی نیز مطرح شده است. معیارهای اولیه برای طراحی چنین فضایی نیز پیش نیازهایی بوده که از سوی عملکردهای مذهبی، اقتصادی، سیاسی و تفریحی مطرح بوده و چگونگی شکل گیری میدان-بازار سنتی را دیکته می کرده است. ترکیب و طراحی شکل میدان-بازار تاریخی در مناطق و ادوار گوناگون ازین زاویه، امری منطقی و در پاسخ به عملکردهای لازم و ناگزیر شهری بوده است. آگورا^۱، فوروم^۲، بازار-میدان^۳، پیاتزا^۴ و پلازا^۵ اسامی مختلفی است که در جوامع مختلف به این عملکرد مشابه شهری داده شده و با وجود تغییراتی در الگوی طراحی و سنجه های متفاوت فرهنگی هر جامعه، همگی بر اساس همان نیاز و مفهوم واحد اولیه طراحی شده اند.

میدان-بازار سنتی در شهرسازی دنیا

از آنجا که مطالعات جامعی پیرامون سیر طراحی میدان در تاریخ ایران در دست نیست توجه به جهانی بودن مفهوم میدان، منطبق وجودی، روند شکل گیری و عملکرد عمومی آن می تواند مفید افتد و تصویری کلی از تطور این روند در کشور ما نیز به دست دهد. لذا پرداختن به دیگر جوامع دنیای باستان و کشورهای همسایه منطقه، که بعضاً مدارک بیشتری در مورد آنان وجود دارد، می تواند روشنگر سیر طراحی میدان-بازار سنتی باشد، طریقی که تا قبل از برآمدن دوران تجدد، الگوی مسلط میدان سازی در ایران بوده است. براساس مدارک باستان شناسان، با گسترش شهر نشینی و تکامل روش های تولید و داد و ستد بین جماعات مختلف دنیای کهن بر وسعت، پیچیدگی و اهمیت میدان-بازار در سلسله مراتب فضاهای شهری افزوده شد. در دولت-شهرهای یونانی، که بنیاد تجاری نیرومندی داشتند، با پیدایش **آگورا** عملکرد اینگونه فضاهای مرکزی انسجام بیشتری یافت و این فضای باز شهری به یگانه مرکز داد و ستد کالاهای روزمره و نیز محلی برای برگزاری اجتماعات مختلف اهالی شهر تبدیل شد. اشارات هومر، شاعر باستانی یونان، حاکی از آنستکه در حدود قرن هشتم پیش از میلاد این فضا، بخش جا افتاده و مشخصی از ترکیب کالبدی شهر یونانی را تشکیل می داده است^۶. از زمانیکه استفاده از طرح شطرنجی در شهرسازی یونان مرسوم گردید آگورا به شکل مستطیلی که سه ضلع آن با ایوان هایی سرپوشیده و ستوندار^۷ محصور می شد، طراحی گردید و ضلع چهارم را خیابانی تشکیل می داد که در جوارش ایوان سرپوشیده و ستون داری به موازات جانب دیگر آگورا ادامه می یافت. در همین حال راه های درون شهری به گونه ای طراحی می شد که با آگورا ارتباط مستقیم داشته باشند (Robertson, 1992.397). شاید از همین روست که در اصطلاح امروزی گاه از آگورا به معنی نقطه ای که محل تقاطع چندین راه اصلی و فرعی شهر است استفاده می شود.



تصویر شماره ۱- نقشه آتن و آگورای آن در قرن پنجم قبل از میلاد (Neelsmith, 1989)

در میان بازمانده‌های کالبدی، آگورای باستانی آتن (Neel Smith, 1989) (تصویر شماره ۱) و آگورای اسمیرنای از میر مشهورترین‌اند. آگورای از میر باقی مانده نشان می‌دهد محل فعالیت‌های سیاسی، قضایی و اقتصادی شهر بوده و هر گوشه‌اش برای فعالیت‌های آموزشی و هنری و تفریحی عملکرد داشته است. بعد ها این فضای عمومی توسط رومی‌ها بازسازی و مرمت گردیده و بناهایی تا سه طبقه شامل معابد، قربانگاه‌ها و ایوان‌های ستوندار، آراسته با مجسمه‌های خدایان و مقامات سیاسی، برای گردهم‌آیی شهروندان بدان اضافه شده است (Akurgalun, 1973). رومیان که وارث معماری یونان بشمار می‌روند همین فضای شهری را با لغت **فوروم** نامیدند. طرح فوروم‌های رومی، به نسبت قدرت و ثروت امپراتوری، از آگورای یونانی بزرگتر و در بافت شهر جا افتاده‌تر است و عملکرد آنها هم در بر گیرنده داد و ستد و محل گردهم آیی شهروندانست و غالباً محل برگزاری اجتماعات سیاسی و دادگاه محلی نیز هست. اما به دلیل کثرت کارکرد شهری، فوروم رومی کم کم شکل معماری مشخص و اجزای مکمل طرح شهری خاص خود را یافت. معمولاً واجد سنگفرش طرح‌دار بوده و گراداگرد آنرا معابد و بناهای مجلل مدنی و سیاسی احاطه می‌کردند. مجسمه‌های خدایان، قیصرهای مشهور و نیرومند، مقامات و شهروندان برگزیده در نیش دیوار ایوان‌ها و درگاه ابنیه مهم جای می‌گرفتند و گاه طاق پیروزی و یا قطعه‌ای از یک غنیمت جنگی مهم، که یاد آور پیروزی ارتش روم بود، در جوار آن نصب می‌گردید. سنت آراستن میدان‌ها و نصب یادمان‌های مختلف برای تاکید بر قدرت دولت شاید به حدود دهه سوم قبل از میلاد برسد. بعد از سلطه روم بر مصر اوبلیسک‌ها^۸ و دیگر آثار حجاری و معماری مصر نیز زینت بخش فضاهای شهر گردید. اوگوستوس امپراتور روم در دهه سوم قبل از میلاد، اوبلیسک رامسس دوم را که طی قرن هفتم قبل از میلاد در شهر هلیوپولیس بر پا بود به رم آورد و آنرا به نشانه سلطه‌اش بر سرزمین فراعنه در جوار ورزشگاه عمومی^۹ نصب کرد (Robertson, 1992).

گرد آمدن این اجزا، جا افتادن مفاهیم طراحی و عملکردهای مختلف به تدریج صورت سنتی مطلوب برای ساخت و تزیین میدان را به خود گرفت و در طرح میداین شهرهای ایتالیایی و دیگر شهرهای اروپایی تا قرون وسطی، تکرار و تثبیت گردید. سقوط امپراتوری روم و تبدیل معابد بجای کلیساها این سنت را تغییر چندانی نداد، چرا که عملکردهای اصلی میدان همچنان برقرار بود و با ساختار تولیدی و اقتصادی زمانه‌اش همخوانی داشت. ساختمان‌های مذهبی به جای مجسمه خدایان با تندیس‌های قدیسان آراسته شدند و اجتماع هفتگی مردم در کلیسا بر مقام و جایگاه ویژه آن در ساختار میدان بازارها افزود.

"میدان-بازارها در جوار کلیساها رشد می‌کردند زیرا این جایی بود که شهروندان گرد می‌آمدند... جایی برای داد و ستد و برگزاری مراسم عمومی ...، در این میدان بود که اصناف برای نمایش‌های اسرار آمیزشان صحنه برپا می‌کردند، مسابقات بزرگ در اینجا برگزار می‌شد. (میدان) نه فقط قلب بلکه نمایشگاه شهر بود .." (Mumford, 1945: 55).

بنا به تعریف لینچ، پیاتزا:

"... مدل دیگری برای فضای باز شهریست که بدوا از شهرهای تاریخی اروپا گرفته شده‌اند. منظور از میدان نقطه تمرکزی برای تحرک در قلب یک متراکم شهریست. عموماً سطحش سنگفرش شده، با سازه‌های متراکم محصور گشته، با چند خیابان احاطه شده و یا بدان‌ها مرتبط است. به منظور جلب گروه‌های مردم جلوه‌های برساخته‌ای نیز در خود دارد و برای تسهیل ملاقات عموم نیمکت‌ها، آب‌نماها و سرپناهایی در آن ساخته‌اند. سبزه و درختکاری‌اش ممکن است قابل یا غیر قابل توجه باشد.

به هر حال میدان‌های سبک ایتالیایی رایج‌ترین الگوهاست و در آمریکای شمالی، هر جا که تراکم جمعیت کافی بوده، اجرای این سبک توفیق چشمگیری یافته است اما در جاهای دیگر این میدان‌های عاریتی نسبتاً خالی و غمزده باقی مانده‌اند." (Lynch, 1981.442-443).

طرح میدان‌های رومی، پس از انتقال به اسپانیا، سیر تکامل نسبتاً مشابهی را طی کرد و با توجه به تفاوت شرایط جغرافیایی و اختلافات جزئی فرهنگی، به پیدا شدن طرح پلازا یا میدان اسپانیایی انجامید. میداین قرون وسطای اسپانیا غالباً در جوار صومعه، مدرسه مذهبی، بیمارستان و یا باغ‌های عمومی ساخته می‌شدند و یک ضلع میدان اصلی شهر بعضاً به بنای کلیسای مرکزی و باشکوهی اختصاص می‌یافت. عملکرد اصلی این میداین برای اجتماع مردم و داد و ستد بود اما قدرت روزافزون کلیسا و شیوع تصفیه‌های مذهبی در آن کشور عملکرد نمایشگاه و تماشاخانه را نیز به طرح اولیه آنها افزوده بود. میدان اسپانیایی محل برگزاری مراسم تفتیش عقاید، سوزاندن محکومین به ارتداد، و در یک دوره محل به آتش کشیدن کتاب‌های دوران اسلامی بود، ساختمان‌های اطراف طوری طراحی می‌شدند که بالکن‌های متعددی برای جای دادن به تماشاچیان داشته باشند (Morris, 1994.296). طرح این نوع میداین در شهرهای جنوب اروپا و آمریکای جنوبی قرن‌ها الگویی رایج بوده و وجودش هنوز نماد هویت و فرهنگ شهری لاتین بشمار می‌رود.

میدان در شهرسازی ایران

میدان در شهرهای ایرانی عموماً جایگاهی برای اجتماع مردم شهر و حومه، محل تبادلات اقتصادی و گهگاه نیز محل برگزاری ورزش و تفریحات جمعی، رژه سپاهیان، آگاهی رسانی جمعی و گاه تنبیه خاطیان و مجرمان بوده است. تنوع عملکردهای یاد شده دال بر آن است که در شهرهای بزرگ و پر جمعیت همواره یک میدان مهم و اصلی وجود داشته و میداین کوچک چندی نیز در سطح محله‌ها فعال بوده‌اند که در اینجا مورد بحث نیست. از لحاظ تغییرات کالبدی و مفهوم طراحی، تاریخ میداین ایرانی را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد که دو گروه از آن به دوران قبل از تجدد و دو گروه آن به دوران تجدد و بعد از آن تعلق دارند.

۱- میداین کهن، از آغاز تا ظهور اسلام

۲- میداین پس از اسلام، از آغاز خلافت عباسیان تا اواخر قاجار (طرح سنتی) نمونه‌های مهمی از میدان‌های تاریخی ایران را در یزد، کرمان، سمرقند، خیوه و اصفهان و بسیاری از دیگر شهرهای ایران زمین می‌توان سراغ کرد.

۱-۳- طرح دقیق میدان‌های قبل از اسلام در ایران چندان روشن نیست لیکن با توجه به عملکردهای ذکر شده می‌توان تصور کرد که میدان کهن ایرانی نیز چون هم‌تایانش در دیگر جوامع کهن در کنار و یا در ارتباط نزدیک با محل کسب و تجارت بوده و گاه یک یا چند ساختمان مذهبی و یا حکومتی نیز بدان مشرف بوده و یا بدان دسترسی داشته‌اند. اطلاعات جسته و گریخته‌ای که از چگونگی شکل‌گیری دولت - شهرهای کهن بین‌النهرین و جنوب ایران حوالی قرن دوازده پیش از میلاد در دست است حاکی از ساخته شدن آنها بر گرد معابد و زیگورات‌هایی است که به منزله قلب سیاسی و مذهبی آنان به شمار می‌رفته است.

گرداگرد این معابد را فضایی باز احاطه می‌کرده که محل دیدار و اجتماع، داد و ستد، و تعامل حاکمان و شهروندان بوده است و ازین زاویه مصداق کالبدی میدان‌های اولیه شمرده می‌شود.

بر اساس یافته‌های باستان‌شناسان، معبد چغازنبیل در روزگار خود قلب پایتخت مذهبی ایلامیان محسوب می‌شده و در نقطه مرکزی شهری قرار داشته، که با یک دیوار دفاعی محافظت می‌شده است. در داخل این دیوار اولیه، حصار مربع شکل دیگری ساخته شده بود که شامل زیگورات و فضای باز دور آن بوده و شهر مقدس^۱ خوانده می‌شده است^{۱۱}. قصرشاه نیز در ضلع شرقی همین حصار و مابین این دو دیوار دفاعی قرار داشته است. در این فضای باز روستاییان و شهرنشینان اجتماع کرده و تولیدات خود را مبادله می‌کرده‌اند (بازار)؛ ارتباط با اماکن مذهبی ممکن می‌شده (عبادت)؛ و اقتدار و موجودیت حکومت نیز از طریق بر پایی معابد، قصرها و دیگر سمبول‌های وابسته به هیئت حاکمه به نمایش گذاشته می‌شده است (حضور سیاسی) (Porada, 1970).

روایت شاهنامه از مسابقه چوگان بین ایرانیان و تورانیان حاکی از قابل دسترس بودن میدان چوگان در حوالی اقامت‌گاه سلطنتی و عملکرد آن بعنوان محل برگزاری مسابقات ورزشی و بازی‌های جمعی بوده است: "ابا گوی و چوگان به میدان شویم - زمانی ببازیم و خندان شویم" و یا "سیاوش بدو گفت فرمان تراست - سواران و میدان و چوگان تراست" (فردوسی، ۱۵۴، ۱۳۷۶-۱۳۳-۱۵۳).
 ۲-۳- اشارات تاریخی به میداین ایرانی در نوشته‌های مورخین و جغرافی‌دانان پس از اسلام بسیار فراوان‌تر و نمونه‌های بازمانده از این دسته میداین، مطالعه طرح و عملکرد آنها را بهتر ممکن ساخته است. تعریف فضا، شیوه ساختمانی و اجزای معمارانه، در ارتباط با تداوم شیوه تولید و ساختار اجتماعی و سیاسی سنتی در شهرهای ایرانی، بوده و با تغییراتی مختصر تا ظهور تجدد در ایران دوام یافته است. این دسته از میداین را به خاطر همین تداوم و حضور بی وقفه در شهر ایرانی (سنتی) خوانده‌ام، چرا که بازار- میدان سنتی عملکردهای مشخص و الگوی خاص خود را حفظ کرده است. اینها کمابیش همان ویژگی‌هایی است که در مورد میداین سنتی جهان گفته شد. میدان سنتی، محلی برای انجام مراسم نظامی و قدرت نمایی حکومت‌های وقت بوده و عملکردی مشابه با میداین‌های مدرن، که در روزهایی خاص برای رژه نظامیان بکار می‌روند، داشته است. یعنی ضمن فراهم آوردن سرگرمی موقتی برای سلطان و اهالی شهر، یادآور اقتدار و توان طبقه حاکمه به عامه مردم بوده است.

"در سال ۱۰۰۳ هجری شاه عباس اول در قزوین نزول نمودند، و جنگ حیدری و نعمت الهی در میدان سعادت قزوین حسب الحکم اشرف شد، و غلبه با جماعت میر حیدری بود که غالب مطلق شدند..." (فلسفی).

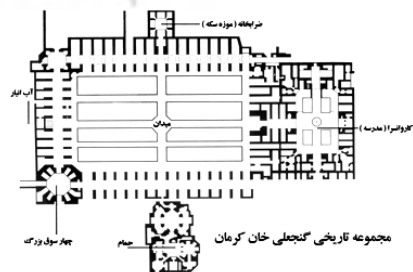
میداین سنتی در یک یا چند ضلع خود بناهای حکومتی چون قصر و دارالاماره و یا ساختمان‌های مذهبی چون مسجد و تکیه را جا می‌دادند؛ گاه نیز به لحاظ اهمیت شهری در جوار ابنیه مذهبی موجود مرقد و یا زیارت‌گاه ساخته می‌شدند و به میدانی با هویت محلی ویژه تبدیل شده و اهمیت فضایی دو چندان می‌یافتند. واعظ بلخی در کتاب فضایل بلخ می‌نویسد:

«.. و گویند که شهر بلخ بنا کرده‌اند قابیل کشنده هابیل است و مرقد و مشهد هابیل در موضعی است که آن را میدان

گشتاسب می‌خوانند که اگر شرف و بزرگی تربت پاک او نبود، صاعقه عذاب از دیر باز بر این شهر نازل می‌گشت ..» (بلخی).

از نمونه‌های قابل توجه میدان - بازار های بزرگ و تاریخی که امروزه نیز در برخی از شهرهای ایران بر پا ایستاده‌اند می‌توان به میدان گنجعلی خان کرمان، میدان نقش جهان و میدان میرچخماق یزد اشاره کرد. ا به مشخصات عمده دو نمونه نخست اشاره می‌گردد:

میدان گنجعلی خان کرمان: این میدان بخشی از مجموعه‌ای است که حوالی سال‌های ۹۹۰ شمسی در دوران حکومت گنجعلی خان والی کرمان طراحی و در مرکز جغرافیایی شهر قدیم ساخته شده است (تصویر شماره ۲). ضلع شرقی میدان به مسجد / مدرسه و کاروانسرا اختصاص یافته و سه ضلع اصلی آن را بازار سرپوشیده‌ای تشکیل می‌دهد که از طریق چارسوق بزرگ به بافت قدیمی تر بازار متصل است و ارتباط مستقیم با دسترسی‌های عمده شهری را تامین می‌کند. نمای خارجی آن به سوی میدان مرکب از دکاکین و حجره‌های بازرگانان است که روی دیگرشان به بازار داخلی است. عملکرد اقتصادی و خدماتی مجموعه در سطح شهر، مکانی برای تمرکز فعالیت‌های شهری است و بخشی از درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی‌اش نیز بانیان و واقفین مجموعه را برای حفظ و نگهداری آن یاری می‌کند. کاروانسرای مجموعه، محل اقامت بازرگانان و مسافران شهرهای دیگر است و لذا در رونق داد و ستد مجموعه نقشی مکمل اما اساسی دارد. فضای باز میدان بخش الحاقی و گسترش بازار در فضای باز بشمار می‌رود. ضرابخانه عملکردی دولتی است که با تجارت و داد و ستد مستقیماً مربوط است. حمام، آب انبار و خدمات شهری دیگر نیز رفاه داد و ستد کنندگان را تامین می‌کند و دلیل بیشتری برای مراجعه شهروندان با این نقطه فراهم می‌نماید. نزدیکی مدرسه به اینگونه مجموعه‌های شهری از سنت‌های قدیمی معماری اسلامی است و نقطه تلفیقی بین عبادت و تفکر و کار؛ و حفظ یکپارچگی زندگی دنیا و آخرت در تفکر اسلامیست، ثانیاً طلاب مدرسه از گفتگو با مسافرانی که از دیگر نقاط می‌آیند نکته می‌آموزند. این میدان طرح سنتی میدان - بازار را دارد و از نظر نوع تاریخی میدان، در ردیف آگورا و فوروم است. عملکرد اصلی نقطه مرکزی برای فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی مردم است که با در بر گرفتن مراکز آموزشی، مذهبی و خدماتی نیز همراه و تقویت شده است. این ترکیب عناصر عمومی شهری، فضاهای نیمه خصوصی و خصوصی که در آن سهیم‌اند گزینش اصول طراحی و ابعاد فیزیکی خاصی را ایجاب می‌کند که در صورت به اجرا درآمدن، آنرا به محلی چند کاره، برای اجتماع شهروندان، برگزاری مراسم تفریحی، ورزشی، مذهبی و نظامی و نقطه برقراری ارتباط فضایی بین ساختار حکومتی و جامعه شهری تبدیل می‌کند.



تصویر شماره ۲- نقشه و تصویر میدان گنجعلیخان

میدان امام (نقش جهان) اصفهان: زمان ساخت این میدان حوالی اواخر قرن شانزدهم میلادی (۱۰۱۱ هجری) است. مجموعه فضاهای عمومی این میدان علاوه بر کاخ عالی قاپو شامل مسجد امام، مسجد شیخ لطف الله و سردر ورودی بازار موسوم

به قیصریه است که خود در بافت مستطیل حجره و دکاکین دور میدان که به بازار کهنه سلجوقی متصل می‌شود جای گرفته‌اند (تصویر شماره ۳). کمپفر جهانگرد اروپایی که بین سال‌های ۱۶۸۳ تا ۱۶۸۵ از اصفهان دیدن کرده از انجام فعالیت‌های مختلف اقتصادی و بازرگانی در در طبقه همکف بازار این میدان خبر داده و افزوده است که فضاهای فوقانی این مغازه‌ها نیز عملکرد مسکونی داشته و به مسافران غریب یا حتی فواحش نیز اجاره داده می‌شده است (کمپفر، ۱۳۹۳).



تصویر شماره ۳- تصویر هوایی و منظر امروزی میدان امام (نقش جهان) (www.google.com) http://en.wikipedia.org/wiki/Image:Naghshe_Jahan_Square_Isfahan عکس هوایی از <http://maps.google.co.uk/maps> ماخذ

کمپفر همچنین به جزییاتی پیرامون عملکرد تفریحی و ورزشی این میدان اشاره کرده است. به تاکید او علاوه بر نقالانی که در کنار دیوارهای مسجد شیخ لطف الله به پرده خوانی اشتغال داشته‌اند در بخش شمالی میدان "هنرپیشگان، دلقک‌ها، کشتی‌گیرها، شاعران" و دسته‌هایی از مردم برای سرگرمی و وقت گذرانی گرد می‌آمده‌اند (کمپفر، ۱۹۴-۱۹۳). تاورنیه، جهانگرد دیگر اروپایی ضمن تایید این عملکرد از برپایی نمایش جنگ حیوانات در این میدان و شرطبندی گروه‌های متخاصم شهری در این مراسم حکایت کرده است (تاورنیه، ۱۳۳۶، ۲۸۴ و ۵۶۶). نوشته‌های دیگر به برگزاری جشن‌های نوروزی، چراغانی و مراسم آتش بازی در میدان نقش جهان اشاره دارند (هنرور، ۱۳۶۳، ۵۷۹). از دیدگاه مفهوم و بنیاد طراحی این مجموعه نیز از خانواده آگورا و فوروم بوده، تنها نقطه تفاوت میدان- بازار سنتی ایرانی و نمونه‌های کهن غربی اش را باید فقدان یادمان‌ها و یا فضایی ویژه که منحصر به تکریم حاکمان و یا برنمودن آرمان حکومتی باشد، دانست. ساختمان‌های دور میدان سنتی ایرانی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که آرمان اجتماعی و حکومتی را، که از وابستگی به فرهنگ اسلامی حکایت دارد، در خود منعکس کند، و نام شاه یا حاکمی که بانی میدان بوده نیز تنها در گوشه‌ای و بر کتیبه‌ای، به عنوان واقف ابنیه و یا میدان ذکر شده است. مجسمه و یادمانی انفرادی در کار نیست و بانی تنها مسلمانی شمرده می‌شود که توان ساختن میدان را داشته و خدایش بیامرزد. یادمان و مجسمه و آرمان‌گرایی فردی، ویژگی فرهنگ میدان سازی غرب بوده که بعدا به ما نیز رسیده است.

میادین مدرن در جهان: در ایران امروز دیگر میدانی به طرح سنتی ساخته نمی‌شود و میادینی که برپا شده و می‌شوند کمتر شباهتی به میدان گنجعلی خان یا نقش جهان دارند. راه درازی را از طرح میدان نقش جهان تا شکل دادن به میدان معلم پیموده‌ایم، آن از پانصد سال پیش بوده و این از امروز ماست. چه شد که به اینجا رسیدیم؟ چه تجربه‌ای کردیم و حاصل تجربه میدان سازی‌مان به کجا رسیده است؟

پاسخ اجمالی در این است که طراحی میدان ما با حرکت دوران و زمانه حرکت کرده و ما را به اینجا رسانده است. شاید ما هم نمی‌خواستیم تغییر کند اما تجدد^{۱۲} و اسباب و حواشی آنرا پذیرفتیم و ناچار شدیم اینرا هم بپذیریم. بحث بر سر تغییر نیست بحث بر سر چگونگی آنست. اما پیش از پرداختن به این مهم، ارایه پیشینه‌ای از چگونگی و علل تغییر طرح و عملکرد میدان بازار در اروپا لازمست، همان‌علی که بعداً ما را نیز با خود کشاند.

شهر اروپایی در تحول از دوران کهن به عصر حاضر از سه مرحله مهم تغییرات عمومی گذر کرده؛ که اولی رنسانس، دومی دوران سرمایه‌داری تجاری^{۱۳} و آخری سرمایه‌داری صنعتی^{۱۴} است. در طی همین مراحل، الگو و عملکرد میدان - بازار سنتی نیز در این جوامع دستخوش تحولاتی بنیادی گردیده و با مقتضیات ساختاری گوناگونی که لازمه دمسازی با آنها بوده همساز شده است. اگر رنسانس را عموماً دوران بازشناسی میراث‌های معماری، یافتن و بازگشتن به مفاهیم طراحی و الگوهای کلاسیک فرض کنیم دو دوره بعدی را باید صحنه وقوع تغییرات اساسی در طراحی شهری و ظهور ترکیب تازه و تحول یافته‌ای از عناصر سازنده آن دانست. از حوالی قرن شانزدهم میلادی به بعد اروپا شاهد تحولات اقتصادی و سیاسی ناشی از استقرار نظام سرمایه‌داری تجاری بود و در واقع مسیر گذار شهر اروپایی از قرون وسطی به تجدد نیز در همین اوان شروع می‌شود. اینکه در این نظم نوین چه اجزایی باید حفظ می‌شد و چه اجزای تازه‌ای لازم بود که جایگزین عناصر طراحی سنتی میدان شود تا مفهوم تازه و قابل پذیرشی برای نیروهای درگیر و مناسبات اجتماعی مفروضشان پدید آید. مامفورد می‌نویسد:

"دو بازوی این سیستم نوین ارتش و دیوان سالاری بود، اینان حافظان دنیوی و روحانی حکومت‌های مستبد و متمرکزاند. .. صاحبان صنایع نوین نیز از اینان تقلید می‌کردند و بر کارخانه‌های خود همانند خودکامه‌گان فرمان می‌راندند... در پس منافع فوری سرمایه‌داری نوپا، و عشق به ثروت و قدرت، تحولی در چارچوب تمامی مفاهیم جاری رخ داد. اول از همه؛ درک تازه‌ای از فضا بود. انتظام فضا یکی از بزرگ‌ترین پیروزی‌های ذهن دوران باروک بود، ادامه دار کردن آن، محدود کردن آن با مقیاس و نظم، گسترش آن تا مرزهای عظمت، در بر گرفتن بی‌نهایت دور و بی‌نهایت نزدیک؛ و سرانجام درهم آمیختن فضا و حرکت"

نظامیان برای قدرت نمایی و سلطه بر شهر خیابان‌های مستقیم، متحد‌الشکل را می‌خواستند. دیوان سالاران اقتدار دستگاهی دولتی در قالب ساختمان‌های متمرکز و باشکوه را می‌طلبیدند. اما نیروی مهم دیگری که در سطح شهر در پی ابراز وجود و برپاکردن تغییر و استقرار فضایی بود سرمایه‌داری نو پا بود که در تقلید از شیوه زندگی و برخورداری از آنچه در اختیار اشرافیت سنتی بود ببقراری می‌کرد. ترکیبی از این خواسته‌ها بود که بنیاد مفاهیم طراحی شهری مدرن شد. نفوذ روزافزون سرمایه‌داری بویژه از جنبه زیبایی‌شناسانه^{۱۵} تلاش برای عمومی کردن لذات بصری خواص و بیرون کشیدن فضاهای اشرافی، مثل باغ و حوض و فواره به عرصه عمومی بود. شهروندان عادی شاهد تکرار طرح حیاط قصرهای اشراف را در پارک‌های عمومی، پدید آمدن خیابان‌های پر درخت و بلوارهای پهن، و میادینی را که با فواره‌ها و مجسمه‌های گوناگون تزیین شده بود، شدند.

انتظام فضا که مامفورد بدان اشاره کرده است در طراحی میدان به صورت کنترل نما، ارتفاع و نوع ساختمان‌هایی که آنرا احاطه می‌کردند ظاهر شد، در طرح سنگفرش و در تعیین خیابان‌هایی که بدان دسترسی می‌یافتند. سلسله مراتب فضاهای جانبی و خط ممتد بام‌ها که نظم و کنترل طراح بر میدان را نشان می‌داد، و تقابل بنای شهرداری و کلیسای مرکزی در دو سوی میدان که

به تصمیم قدرتمندان وابسته بود. این شکل‌گیری فضایی الگوی دوران گذار اروپا در حرکت از میدان- بازار به سوی میدان- خیابان بود که در کارهای آلبرتی^{۱۶} و پالادیو^{۱۷} به وضوح انعکاس دارد. در این الگوی تازه خیابان‌ها به تدریج معرض خرید و فروش می‌گردند و عملکرد بازار سنتی را در امتداد خود پراکنده می‌کنند. میدان سنتی عملکرد بازار را از دست می‌دهد (Mamford, 1945.98-100).

تاجران به نمایش کالاها خود در سطح شهر نیاز داشتند و طرح سنتی جوامعی عرضه کالای دنیا در یک بازار نبود، خیابان و امتداد فروشگاه‌های گوناگون لازم بود. بدی نگونه بود که خیابان کشی‌های جدید اتفاق افتاد و عملکرد بازار را از حیثه کاربردی میدان خارج کرد. این امر به تدریج به پیدایش طرحی که در تاریخ شهرسازی غرب آنرا بازار- خیابان^{۱۸} خوانده‌اند، انجامید (Mamford, 1945.100).

روند تغییر عملکردهای میدان را با پیدایش سرمایه‌داری صنعتی، دستخوش دگرگونی‌های بیشتری گردید زیرا روابط سیاسی و اجتماعی تازه‌تری جایگزین نظام‌های سنتی گردیده بود که نخست ابعاد و سپس چهره شهرهای مهم اروپا و سپس دنیا را تغییر داد. تبعات این روابط تازه، یعنی ازدیاد جمعیت در شهرها، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و برخورد‌های طبقاتی در شهرهای صنعتی، و برپایی روابط انسانی تازه در این نقاط تمرکز جمعیتی، تأثیرات کالبدی مهمی را نیز به همراه داشت.

کثرت و نفوذ نظامیان در طبقات حاکمه، که ملزومه رقابت روزافزون ملت‌های اروپایی بود در کنار افزایش نابرابری‌های اجتماعی، عامل مهمی در تجدید طراحی شهرهای مهم اروپایی از جمله پاریس بود. نیاز به مقابله با تظاهرات مردمی و استقرار کنترل دولت بر آشوب و طغیان شهروندان در این شهر دگرگونی کالبدی و تخریب بافت سنتی آن را امری ناگزیر ساخت. با آنکه امروز پاریس به خاطر بلوارهای وسیع، میدان‌های زیبا و خیابان‌های عریض‌اش شهرت یافته است اما بهای کالبدی سنگین آنرا پاریس سنتی پرداخته و ناخشنودی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی گسترده‌ای را تحمل کرده است. در همان شهر بلوارهای عریض و میدان‌های گسترده امروز از میان بافت قدیمی بریده شده‌اند؛ بافتی که روزگاری بر اساس طرح سنتی و ارتباطات شهر قرون وسطایی اروپایی استوار بوده است.

اما روابط شهری و شکل پاریس مدرن، خیابان‌ها، میدان‌ها و بلوارهایش را انقلاب صنعتی (صنعت) و تبعات اقتصادی (تجارت) و اجتماعی آن تعیین کرده‌اند. در اینجا خلق یک میدان مدرن بیش از آنکه تلاشی برای حفظ ارتباط با مفهوم طراحی بازار- میدان سنتی، فوروم و آگورا، باشد محصول برقراری ارتباط نوین بین حکومت و جامعه (روابط مدنی)، ملاحظاتی کاربردی‌های نظامی و نیاز به کنترل نقاط عمده شهری با توپ و تفنگ (امنیت) بوده است.

عواملی چون صنعت، تجارت، امنیت، سلطه، روابط نوین مدنی و سرعت محرکات عمده تغییر بودند. تأثیر مجموعه این عوامل به گسترش شهر نشینی و رشد جمعیت شهرنشین منجر شد و رشد کالبدی شهر در مقیاسی بی‌بدیل را به دنبال آورد. کلان‌شهرهایی که پس از انقلاب صنعتی پدید آمدند دیگر تنها به گرد یک میدان بازار مرکزی شکل نگرفته بودند. میادین کوچک و بزرگی در محلات مختلف آنها پیدا می‌شد که گاه هر یک رنگ و بوی فعالیت و تخصصی جداگانه‌ای داشته، بنابراین از نظر ابعاد و گستره، عملکرد برخی ازین میادین در سطح شهر و بعضی در سطح محله و منطقه شهری اهمیت داشت حال آنکه موقعیت

و عملکرد بقیه تنها سطح گذر و چهارراه معمولی مطرح بود. آنچه بر شتاب این دگرگونی‌های محیطی می‌افزود افول قدرت کلیسا و ظهور علم‌گرایی مدرن بود که از تجمع شهروندان به جز روزهای یکشنبه در اطراف اماکن مذهبی کاسته؛ و مغازه‌های مشرف بر پیاده‌روهای عریض در بلوارهای جدید را عرصه داد و ستد و فعالیت خرده‌فروشان شهری گردانیده بود. از این پس سنت گرد آمدن پیشه‌وران و بازاریان در نقطه متمرکزی چون بازار بدین طریق از میان رفته و کافه‌ها و رستوران‌ها، تماشاخانه‌ها و دیگر اماکن تفریحی در امتداد خیابان‌های تازه ساخته شده، شهروندان را به نشستن و وقت‌گذرانی در عرصه‌ای تازه دعوت کرده است. از نظر تحول در مفهوم میدان، این بدان معنی است که فضای **دیدار** شهری می‌تواند برای خود طرحی مستقل داشته و نیازی به وجود شبه بازارها و اجتماعات مذهبی نداشته باشد. توسعه تجارت بین‌المللی و تکامل وسایل نقلیه جمعی، در ارتباط با این توسعه، روند تغییرات را در سطح شهر و فرا سوی آن شتابی بی‌سابقه بخشید. اینک بازار شهر حتی می‌توانست از بندری تغذیه شود که کالاهای نادرش با کشتی‌های مدرن از دیگر نقاط جهان به آن رسانده می‌شد. وسایل نقلیه شهری، مثل کالسکه‌های خصوصی، در شبکه‌های عمومی، راه آهن و حتی دوچرخه نیز در رساندن شهروندان به اطراف و اکناف شهر و حومه نقشی بیش از پیش مهم ایفا کرده و گسترش شهرها و ارتباط محلات و مناطق مختلف را ممکن و سهل‌تر ساختند. خلاصه اینکه شهر مدرن با نوع و شتاب تازه‌ای از **حرکت** مواجه بوده و از کنار آمدن با آن ناگزیر بوده است. شهر مدرن در میان این مجموعه تحولات شکل گرفته و در بطن آن، میدان مدرن، متولد شده است. این فضای جدید دیگر لزوماً محلی نیست که بر اثر نیاز تجمع زایران و عابدان و تاجران و انبوه مردم پدید آمده و در تالاقی دسترسی اصلی شهر به دنیای بیرون از حصارها واقع باشد. یعنی در خلاء حاصل از نیازها و عملکردهای سنتی، دیگر فضای داخلی میدان لزوماً جای اجتماع خریداران و فروشندگان، واعظان و زایران نیست، گرچه می‌تواند باشد، اما جایست برای نمایش و خودستایی نظام‌های حاکمه، جایی که یادمان‌های عظیم، طاق نصرت‌های واهی، حوض‌ها و مجسمه‌ها و فواره‌هایی که فضا را پر می‌کنند و عرصه‌ای برای تحسین و تماشای می‌شوند.

در این عصر تجدد، تمرکز گرایان سیاسی و شهرسازان دولتی قادر به خلق یک شبه میدان‌ها، بر اساس طرحی از پیش ساخته شده‌اند. این اختیار و کنترل به قدرت‌های حاکم این امکان را داده است تا اگر بخواهند هر چهار گوشه میدان خود را نیز در اختیار بگیرند و به ساختن ابنیه دولتی عظیم اختصاص دهند، و بیش از آنکه نگران قرار دادن عملکرد خاصی در این نقطه شهری باشند سعی در به رخ کشیدن شکوه و اقتدار خود به شهروندان نمایند. شهر در اینجا قدرت و ثروت خود را به همه نشان می‌دهد و با نفوذ در **آرمان** پرستی و کمال پرستی شهروندان، اهداف دولت‌های ملی را در پیش دیده می‌نهد.

کنار هم گذاشتن این عوامل و تحولات می‌تواند ویژگی‌های میراثی را که به طرح میدان مدرن منجر شد روشن کند. همان گونه که مصالح جدید، معماری را از ساختن دیوار حمال و محدودیت طرح در تلاش برای انتقال ایستای بار به زمین آزاد کرد، تلاشی عملکردهای کهن در عصر سرمایه‌داری نیز طرح میدان را از نیازهای سنتی رهانید و امکان دگرگونی کالبدی‌اش را به تمامی فراهم کرد. اینک مفهوم میدان، اگر نگوییم به تمامی دگرگون شده، لاقلاً انتخاب عملکردهای مطلوبش به عهده طراح گذاشته شده است. طراحی که در گزینش، تاکید و تشدید هر یک از عملکردها را که بخواهد آزاد است و قدرت آنرا دارد که دیگر

عملکردهای سنتی را از میان رفته فرض کند. و این اتفاق برای نخستین بار در شهر اروپایی افتاد. آنچه پاریس، لندن، سن پترزبورگ، وین و دیگر شهرهای اروپایی را دگرگون کرد تجدد و روابط مترتب بر پذیرش آن بود. آیا می‌شد پاریس قبل از هوسمان، پاریس قبل از بلوارها و میدان‌ها و خیابان‌های عریض، همین شهری باشد که امروز می‌شناسیم؟ آن پاریس شکل گرفته در سده‌های میانه با آن کوچه‌های تنگ و معابر پیچ و واپیچ، آیا آن شهر می‌توانست مظلوم تجددی باشد که از پایان قرن هفدهم در حال گسترش بود و در تمامی اروپا بال و پر می‌گشود؟ آیا این شهرهای قدیم اروپایی و نظایر آنها در گوشه و کنار دنیا بهای ظهور مدرنیته را با بریدن بافت قدیمی‌شان نپرداخته‌اند؟ ما نیز در این راه رفته‌ایم. ما تجدد را، اگر کالبدی هم باشد، پذیرفته‌ایم. اما اگر تفاوتی بوده، در کجا بوده است؟

نتیجه‌گیری

میراث طراحی و ویژگی‌های میدان مدرن چه بوده است؟ جمع بندی زیر خلاصه کوتاهی از مفاهیمی است که پس از پیدایش میدان مدرن، برای تحلیل و طراحی، و خلق تنوع در اجزاء و عملکردهای اصلی یک میدان آموخته‌ایم:

موقعیت و مکان یابی: از نظر مرکزیت و دسترسی شهروندان، شهر مدرن می‌تواند به تناسب وسعت و جمعیتش بیش از یک میدان مرکزی داشته باشد. میدان‌هایی با اهمیت‌های برابر و یا کیفیت‌های ویژه می‌توانند در وسعت شهرها شکل بگیرند که هر یک از نظر نوع و عملکرد متفاوت بوده و ارایه کننده هویت محلات و مناطق مختلف شهر باشند. بر این اساس میدان یک فضای باز شهریست که از نظر ابعاد و تناسب از معابر معمولی بزرگ تر و غالباً دارای عملکردی چندگانه و بنا به نیاز است.

ساخت و کالبد: همچنین ملاحظات کالبدی، گواه بر آنست که الگوی بازار- میدان سنتی می‌تواند دگرگون و فراموش شود چرا که عملکردهای سنتی دیگر آن اهمیت و اولویت را نداشته و جای خود را به اولویت‌ها و اهمیت‌های دیگری داده‌اند. در عمل، کالبد فضایی میدان مدرن را می‌توان به سه حیطه (Zone) مشخص تقسیم و در شکل‌گیری هر کدام دقت جداگانه کرد:

- حیطه اول (فضای آرمانی) یا بخش مرکزی میدان است و به محلی برای نصب یادمان، محوطه‌سازی تزئینی و یا ترکیبی از این دو اختصاص یافته و حاوی پیامی ضمنی برای ناظران است. ازینرو ارتباط عابر پیاده با این حیطه عموماً بصری و ذهنی بوده، و هدفش القای هویت مفروض، انتقال پیام فرهنگی و برقراری پیوند آرمانی بین افرادیست که در برخورداری از آن شریک‌اند. عملکرد غایی و چگونگی شکل بخشی به این حیطه تابع معیارهای زیباشناسی و نیز اولویت‌های محیطی، سیاسی و اجتماعی شهر است. ملاحظات تاریخی و جامعه‌شناسانه شهری موید آن است که اهداف طراحی فضای آرمانی در میدان مدرن میتواند شامل اصولی از این دست را در بر گیرد:

- میدان می‌تواند محل نمایش فرهنگ، نماد جهان‌بینی و آرمان‌های متعالی یک شهر باشد.
- میدان می‌تواند محل نمایش قدرت جامعه و یا اقتدار نظام سیاسی حاکم بر یک شهر باشد.
- میدان می‌تواند محل نمایش ثروت، توان اقتصادی و تکنیکی یک شهر باشد.

- میدان می‌تواند محل نمایش قدرت خلاقه، ذوق و درک هنری ساکنان یک شهر باشد.

- میدان می‌تواند محلی برای تبلور و تثبیت اسطوره‌ها و تداوم باورهای ملی باشد.

این در حالی است که میدان مدرن همچنان می‌تواند برخی عملکردهای سنتی را نیز در برداشته و در جهت تحکیم اهداف فوق، به محلی ویژه برای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و یا تفریحی خاصی که یک نقطه از سطح شهر مطلوب باشد، مبدل گردد.

حیطه دوم (**فضای حرکت**) یا بخش فاصل میدان است که به تامین دسترسی‌های درون شهری و ارتباط مناطق مختلف آن اختصاص یافته است. ارتباط عابر پیاده (کندرو) و اتوموبیل‌ها (تندرو) با و در این فضا، به صورت فزاینده و قاطعی بر اساس نظم فضایی ویژه و برقراری نظام تفکیک و جدایی معقول قرار دارد زیرا با افزایش سرعت و آلودگی، امکان نزدیکی و تداخل بی‌رویه کمتر و کمتر گردیده است. نرده، جدول، خط کشی، ماموران دولتی و چراغهای راهنما ابزار برقراری این جدایی و جلوگیری از تضاد مخاطره آمیز این عملکرد با تردد عابر پیاده است.

توفیق در اجرای متوازن این جدایی، بدون آنکه به تمامیت میدان صدمه بزند، موجبات آزار ذهنی و جسمی پیاده‌ها را فراهم کند و یا اخلاقی در برگزاری عملکردهای دیگر و اصلی میدان بیار آورد از پیش نیازهای طرح فضای حرکت در یک میدان مدرن است.

حیطه سوم (**فضای دیدار**) یا بخش خارجی میدان است و محل تقاطع آمد و شد شهروندانی است که برای ملاقات، خرید و یا تفریح از بخشی به بخشی، و یا از نوعی فعالیت شهری به فعالیت دیگری روی آورده‌اند. این بخش محل اصلی برقراری تعامل بین عابران و فضاهای تجمع اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی است و ازینرو می‌تواند از تنوع فضایی بسیاری برخوردار باشد. وجود فضاهای خرید و فروش، بازی و وقت گذرانی و نیز محلی برای اجتماعات منظم و نظایر اینها در شکل‌گیری هویت میدان و منطقه‌ای که در آن قرار گرفته، بسیار موثر است، حال آنکه فقدان یا تجمع فعالیت‌های خاصی ازین قبیل، می‌تواند در یک موقعیت جغرافیایی ویژه نامطلوب تلقی شود، و با خدشه‌دار کردن هویت محلی و منطقه‌ای آن میدان، اصول اولیه طراحی و عملکرد نهایی آن را زیر سوال برد.

ازین دسته‌بندی‌ها و معیارهای تحلیلی پیشنهادی می‌توان برای ارزیابی وضعیت میدان‌های امروزی ایران استفاده کرد و به ویژه به کیفیت، نحوه شکل‌گیری و عوامل بقا یا نابودی آنها در شهرهای بزرگ با دیدی منتقدانه نگریست؛ عملکرد مفروض یا واقعی‌شان را سنجید و از توفیق یا شکست‌شان در ارایه آنچه که قصد ارایه اش را داشته‌اند سراغ گرفت. با نقدی ازین دست، شاید بتوان به شناسایی یک رشته ویژگی‌های خاص در میدان‌های زنده و کارآی ایرانی، صرفنظر از موقعیت و ابعادشان، نایل آمد و آنگاه از فقدان این ویژگی‌ها بعنوان دلیلی روشن بر علت تقلیل اهمیت یک میدان مهم قدیم، به تقاطع بی اهمیت چند خیابان امروز، سخن گفت.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---------------------------|--|
| 1- Agora | 6- Homer, in Encyclopædia Britannica, 2007 |
| 2- Forum | 7- Stoea |
| 3- Market Place | 8- Obelisk |
| 4- Piazza | 9- Maximums Circus |
| 5- Plaza | 10- Temenous |
| | ۱۱- لغتی یونانی و به معنی قطعه زمینی شهری، و عموماً در جوار معابدست. |
| 12- Modernity | 16- Alberti |
| 13- Mercantile capitalism | 17- Palladio |
| 14- Industrial capitalism | 18- Market parade |
| 15- Aesthetics | |

فهرست مراجع

- ۱- بیهقی، محمد بن حسین، (۱۳۷۱)، "تاریخ بیهقی"، به تصحیح علی اکبر فیاض، نشر علم
- ۲- تاورنیه، (۱۳۶۱)، "سفرنامه کمپفر به ایران"، ترجمه اتوتراسلوزی، انتشارات سنایی، تهران
- ۳- صفی‌الدین بلخی، (۱۳۸۸)، "فضائل بلخ"، انتشارات جنگل، تهران
- ۴- فردوسی، (۱۳۷۶)، "شاهنامه فردوسی"، انتشارات بهزاد، تهران
- ۵- فلسفی، نصراله، (۱۳۵۲)، "زندگی شاه عباس اول"، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- ۶- کمپفر، (۱۳۶۳)، "سفرنامه کمپفر به ایران"، ترجمه کیکاوس جهاننداری، انتشارات خوارزمی، تهران
- ۷- هنرور، لطف‌اله، (۱۳۶۳)، "معماری ایران"، گردآوری آ. حواری، چاپ خوشه، تهران
- 8- Akurgal, Ekrem., (1973), "Ancient Civilizations and Ruins of Turkey-From Prehistoric Times Until The End of The Roman Empire", Haşet Kitabevi, İstanbul
- 9- Homer, (2007) "in Encyclopædia Britannica"
- 10- Lynch, K. (1981) "A theory of good city form", MIT Press, p.442-44
- 11- Morris, A.E.J., (1994), "History of Urban Form", Longman, p. 296
- 12- Mumford, Lewis, (1945), "The Culture of Cities, Secker& Warburg, p.55
- 13- Porada, E, Tchoga Zanbil (Dûr-Untash) IV. La glyptique, Mémoires de la Mission archeologique en Iran 42, Paris, 1970
- 14- Robertson, D.S., (1992) "Greek and Roman Architecture", Cambridge University Press, Great Britain, Cambridge, p. 379
- 15- Smith, D. Neel, (1989), drawn by M. W. Cutler based on Perseus Project 1989, "Architecture, Athens, Agora, Athens Agora 2nd c BC art", based on Dinsmoor 1982 and J. Travlos (artists) 1974, in Camp 1986, fig 169